

## نکات مثبت و منفی قانون حمایت از حقوق معلولان.

قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، در سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و قرار بود که حقوق معلولین به واسطه اجرای این قانون تامین گردد اما بخاطر اینکه قانون مصوب به صورت طرح توسط نمایندگان ارائه شده بود و محل های اعتباری آن تامین نگردیده بود و خیلی الزام و تکلیف برای دولت نداشت و از سوی دیگر تمام وجوه زندگی معلولین را در بر نگرفته بود، اهداف مد نظر را برآورده نکرد و لازم بود بازنگری شود یا قانون جدیدی جای آنرا بگیرد. بهر حال در سال ۱۳۹۴ لایحه ای که ما به آن می گوئیم اصلاحیه قانون جامع حمایت از حقوق معلولان از سوی هیات دولت به مجلس ارسال شد و نمایندگان نیز تغییراتی در آن لایحه ایجاد کردند و در اسفند ۱۳۹۴ آنرا مصوب و تقدیم شورای نگهبان گردید. متأسفانه شورای محترم نگهبان در فروردین ۱۳۹۵ اعلام نمود مصوبه مجلس مورد تائید این شورای نیست. اصلاحیه قانون حمایت از حقوق معلولان دارای نکات مثبت زیادی بود که متأسفانه با عدم تائید آن توسط شورای محترم نگهبان، در لایحه بعدی دولت بسیاری از آن نکات مثبت حذف گردید و معلولین کشورمان تا سالها نمی توانند از آن امکانات بهره مند گردند.

لایحه ی بعدی که دولت تقدیم مجلس کرد مدت ها در کمیسویی تحت عنوان کمیسیون مشترک که اعضای آن از کمیسیون های مختلف مجلس مثل کمیسیون های اجتماعی، اقتصادی، برنامه و بودجه، عمران، حقوقی و قضائی و بهداشت و درمان بودند و دولت و NGOها هم در جلسات آن شرکت می کردند مورد بحث قرار گرفت و در نهایت در آذرماه ۱۳۹۶ کلیات آن در مجلس مصوب گردید.

آنچه که در مورد معلولین باید اعمال گردد همین قانون مصوب آذر ۱۳۹۶ است بنابراین اینجانب قصد دارم نکات مثبت و منفی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب آذر ۹۶ را تا حد توان بازگو کنم. شایسته است هموطنان عزیز خصوصاً جامعه ی هدف که معلولین و خانواده های آنها هستند از امکاناتی که این قانون برای معلولین بوجود می آورد مطلع گردند و حقوق خود را مطالبه نمایند. ضمناً در خلال توضیح و تفسیر این قانون توقع معلولین از دولت و مجلس را برای تصویب قانونی جامع تر بیان می نمایم. البته در ابتدا عرض کنم که این مرقومه در حد توان اینجانب به عنوان یک عضو از جامعه ی معلولین است و از هر شخصی در کشور که توان توضیح و تفسیر و اطلاع رسانی و نقد خیرخواهانه ی این قانون را دارد استدعا دارم اطلاعات خود را در اختیار جامعه ی معلولین و مردم قرار دهد.

از معلولین و خانواده ی آنها نیز درخواست دارم، همگی متن این قانون را تهیه نمایند و در منزل و محل کار داشته باشید و روی بند بند آن تمرکز و مطالبه گری کنید. عدم مطالبه گری جامعه ی معلولین یکی از اصلی ترین دلایل اجرایی نشدن قانون جامع معلولین مصوب سال ۱۳۸۳ و عدم تصویب قوانین جامع و کامل برای معلولین است. باید اذعان کرد ظلمی که به معلولین در کشور ما می شود، به دلیل عدم مطالبه گری معلولین و خانواده ی آنها است.

با کسب اجازه از دوستان قصد دارم در ابتدا بعضی از مواد خوب اصلاحیه ی قانون حمایت از حقوق معلولان که به دلیل عدم تائید شورای محترم نگهبان، معلولان از مزایای آن محروم شدند و متأسفانه در قانون مصوب آذرماه ۱۳۹۶ نیز نیامده است را به شرح زیر باطلاع عزیزان برسانم:

\*تبصره ی ۲ ماده ۳: سازمان بهزیستی کشور مکلف است وسایل و تجهیزات توانبخشی مورد نیاز و نیز وسایل و فناوری های کمکی تسهیل کننده زندگی روزانه افراد دارای معلولیت را با اولویت استفاده از وسایل توانبخشی استاندارد تولید داخلی و در صورت عدم وجود یا تکافوی تولیدات استاندارد داخلی، از تولیدات خارجی تامین نماید.

\*متأسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۵: به منظور پیشگیری از بروز معلولیت های اجتناب پذیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است با همکاری سازمان بهزیستی کشور نسبت به تدوین و اجرای برنامه های پیشگیری و کاهش بروز پدیده ی معلولیت اقدام نماید.

\*متأسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۷: دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری موظفند اماکن ورزشی، فرهنگی و هنری خود را جهت دسترسی برابر افراد دارای معلولیت با رعایت استانداردهای مربوط مناسب سازی و همچنین از فعالیت ها و جشنواره های فرهنگی و هنری افراد دارای معلولیت حمایت نمایند.

\*متأسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۸: معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است با هماهنگی وزارتخانه های ورزش و جوانان و فرهنگ و ارشاد اسلامی، سهم عادلانه و متناسب افراد دارای معلولیت و جبران هزینه بخش غیر دولتی ارائه دهنده خدمات ورزشی به آنان را از بودجه ورزش و امور فرهنگی و

هنری کشور اختصاص دهد و با اولویت طراحی فراگیر اماکن و تاسیسات ورزشی در کنار سایر شهروندان، نسبت به توسعه مراکز و تاسیسات ورزشی اختصاصی فعالیت های ورزشی و حمایت خاص از مسابقات و جشنواره های ورزشی آنان اقدام نماید.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۱۰: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است از محل اعتبارات مصوب، سهم سالانه بودجه مورد نیاز تولید و انتشار کتب و نشریات بریل، گویا، درشت نما و قالب های الکترونیکی جهت افراد نابینا و کم بینا و چاپ و انتشار کتب و نشریات تخصصی مورد نیاز افراد دارای معلولیت را تخصیص دهد. همچنین وزارت مذکور موظف است با توجه به انتشار روزافزون کتب و نشریات الکترونیک، ضمن رعایت حقوق مالکیت معنوی ناشرین، با اتخاذ تدابیر تشویقی، ناشرین را به در دسترس نهادن نسخ الکترونیکی آثار خود ترغیب نماید.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۱- منابع نشر این اطلاعات مکلفند داده های مذکور را حداقل در یکی از اشکال بریل، گویا یا قابلیت های الکترونیکی در دسترس افراد دارای معلولیت های حسی قرار دهند.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۲- وزارت یاد شده مکلف است با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با پیش بینی اعتبار لازم به منظور استفاده ناشنوایان و کم شنوایان نسبت به تجهیز نیمی از سالن های سینما های کشور به فناوری های کمکی مورد نیاز و نیز زیرنویس فیلم های سینمایی اقدام نماید.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۱۵: کلیه دستگاه های موضوع ماده ۲۲۲ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱۱۷ قانون خدمات کشوری مکلفند حداقل پنج درصد مجوزهای استخدام نیروی انسانی خود را (رسمی، پیمانی، قراردادی و سایر عناوین مشابه) به افراد دارای معلولیت واجد شرایط و دارای توانمندی کار در پست های مشمول مجوزهای مذکور با افزودن پنج سال به سقف شرط سنی استخدام اختصاص دهند.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۱: واگذاری شرکت های دولتی مشمول قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی علاوه بر رعایت احکام مندرج در قانون مزبور منوط به پیش بینی جذب حداقل ۵ درصد نیروی انسانی مورد نیاز از افراد دارای معلولیت جویای کار در قرارداد واگذاری شرکت می باشد. با اجرای این تکلیف شرکت های مذکور از تسهیلات مقرر در ماده ۱۳ این قانون برخوردار خواهند شد.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۲: دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون خدمات کشوری مکلفند در شرایط مشابه از شرکت ها و موسسات بخش تعاونی و خصوصی خرید خدمت نمایند که حداقل ۳ درصد از کارکنان خود را از میان افراد دارای معلولیت جذب نموده باشند.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۵ ماده ۱۸: وزارت خانه های متولی امر آموزش عالی، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشکده های کشور مکلفند ضمن نظارت بر جذب بدون تبعیض متخصصین دارای معلولیت در هیات های علمی و پژوهشی با اعطای بورس تحصیلی و مطالعاتی داخلی و خارج از کشور از ارتقاء سطح علمی افراد دارای معلولیت حمایت به عمل آورند.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۲۲: وزارت آموزش و پرورش مکلف است جهت آشنایی دانش آموزان با حقوق و توانمندی های افراد دارای معلولیت، حقوق شهروندان دارای معلولیت، سمبل های انواع معلولیت و نشانه های مربوط به افراد معلول را در محتوای آموزشی مقاطع تحصیلی دانش آموزان پیش بینی نماید.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۲۳: دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مکلفند متناسب با موضوع فعالیت خود، شیوه ارائه صحیح خدمات به شهروندان دارای معلولیت، سمبل های انواع معلولیت و نشانه های مربوط به افراد معلول را در محتوای آموزشی مقاطع تحصیلی دانش آموزان پیش بینی نماید.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۲۴: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شهرداری های کشور و سایر سازمان ها و نهادها و نهادهای دارنده سالن های نمایش فیلم مکلفند بدون اخذ هزینه، امکان نمایش تیزرهای آموزشی در خصوص حقوق افراد دارای معلولیت و چگونگی تعامل با این افراد را فراهم آورند.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۲۵: اقدامات قضایی زیر جهت حمایت از افراد دارای معلولیت صورت می گیرد:

\*ب- سازمان بهزیستی کشور مکلف است در پرونده هایی که در اعمال و اجرای این قانون و نیز قانون مصوب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و مقررات دیگر، حقوق جمعی افراد دارای معلولیت تضییع شده است با رعایت ماده ۳۲ آیین دادرسی مدنی اقامه دعوی نموده و موضوع را تا حصول نتیجه پی گیری کند. سازمان های مردم نهاد افراد دارای معلولیت نیز حسب مورد محق در اقامه دعوی و پیگیری چنین دعاوی خواهند بود.

\*متاسفانه این بند در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۲: قوه قضائیه مکلف است خدمات قضایی و مشاوره ای ناظر به ایثارگران را درباره تمامی افراد دارای معلولیت اجرا کند.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۲۷: به منظور کمک دولت برای جبران هزینه های ناشی از معلولیت، افراد دارای معلولیت شاغل، ۱۰۰٪ حقوق و مزایا یا دستمزد افراد دارای معلولیت خیلی شدید و ۸۰٪ حقوق و مزایا یا دستمزد افراد دارای معلولیت شدید و ۶۰٪ حقوق و مزایا یا دستمزد افراد دارای معلولیت متوسط تا میزان و سقف سالانه مقرر از پرداخت مالیات معاف می باشند.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۱- معافیت مالیاتی افراد دارای معلولیت دارای مشاغل آزاد بر اساس درآمد سالانه، از یک تا چند منبع، عینا مشابه شاغلین مشمول این ماده خواهد بود.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*ماده ۳۵: کلیه افراد دارای معلولیت شاغل در دستگاه های موضوع ماده ۵ قانون خدمات کشوری و بخش غیردولتی می توانند به شرط داشتن حداقل ۱۵ سال تمام سابقه خدمت و یا پرداخت حق بیمه، بر اساس درخواست کتبی آنان و تصویب صندوق بازنشستگی یا سازمان بهزیستی کشور حسب مورد، بدون شرط سنی، با افزودن سنوات خدمت ارفاقی، به مدت خدمات آنان، بدون پرداخت کسور و فقط از لحاظ احتساب حقوق بازنشستگی، بازنشسته شوند.

خدمت زائد بر سی سال این افراد قابل محاسبه نبوده و در تعیین حقوق بازنشستگی آنان، آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار گرفته و متناسب با مجموع سنوات خدمت یا پرداخت حق بیمه و سنوات ارفاقی خواهد بود.

\*متاسفانه این ماده در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

\*تبصره ۱- میزان سنوات خدمت ارفاقی موضوع ماده فوق برای افراد دارای معلولیت خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید به ترتیب ۲، ۴، ۷، ۱۰ سال خواهد بود که توسط سازمان بهزیستی کشور تعیین و جهت اجرا به دستگاه یا صندوق مربوطه ابلاغ می گردد.

\*متاسفانه این تبصره در قانون مصوب آذر ۹۶ وجود ندارد.

**بعد از آوردن بندهایی از اصلاحیه قانون حمایت از حقوق معلولین که می توانست در زندگی معلولین موثر باشند ولی متاسفانه معلولین از مزایای آن محروم شدند و عنوان کردن این مطلب که درخواست و مطالبه جدی جامعه معلولین اتخاذ تدابیری جهت بهره مندی معلولین از مزایای بندهای مذکور در فوق است، به توضیح بعضی از بندهای قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب آذرماه ۱۳۹۶ می پردازم:**

**تبصره ۲ ماده ۵-** استفاده افراد دارای معلولیت های شدید از سامانه های حمل و نقل ریلی و اتوبوس رانی درون شهری دولتی و عمومی رایگان و استفاده این افراد از سامانه های برون شهری ریلی، هوایی و دریایی دولتی و عمومی غیردولتی نیم بهاء است. وزارت مکلف است جهت اجرای این تبصره نسبت به پیش بینی اعتبارات لازم در لوایح بودجه سالانه اقدام و سازمان برنامه و بودجه در قانون سالانه بودجه منظور نماید.

**تبصره ۳-** متخلفین از رعایت این ماده حسب مورد به مجازات‌های مندرج در تبصره ماده ۴ همین قانون محکوم می‌شوند.

**تبصره ماده ۴** قانون معلولین مصوب آذر ۱۳۹۶: ..... متخلفین از رعایت این قانون حسب مورد به مجازات تعزیری جزای نقدی درجه ۵ تا ۸ مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، انفصال موقت یا دائم از خدمات عمومی، تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی و یا اخراج از نهاد یا سازمان متبوع محکوم می‌شوند.

**\*متاسفانه این تبصره که ضمانت اجرایی قانون حمایت از حقوق معلولان بود توسط شورای محترم نگهبان تأیید نشد و مجلس شورای اسلامی بخاطر جلب نظر این شورا در جلسه بیستم اسفند ۱۳۹۶ تبصره ماده ۴ قانون حمایت از حقوق معلولان را حذف کرد.**

بنابراین بندها و ماده‌های دیگر این قانون که برای متخلفین از رعایت قانون حمایت از حقوق معلولین مجازات‌های مندرج در تبصره ۴ قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته است، بطور کلی ضمانت اجرایی خود را از دست می‌دهند.

### توضیح:

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

فصل اول - مجازات‌های اصلی

ماده ۱۹- مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

درجه ۵)

- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه ۶)

- جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه ۷)

- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

درجه ۸)

- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

### ملاحظات:

۱) نیامدن عنوان افراد دارای معلولیت خیلی شدید در تبصره ۲ ماده ۵ (مذکور در فوق) مطمئناً به معنی عدم برخورداری معلولین درجه خیلی شدید از امتیازات این تبصره نیست.

۲) استفاده افراد معلول با درجه شدید و خیلی شدید از حمل و نقل ریلی و اتوبوس رانی درون شهری تقریباً غیرممکن است.

۳) در ماده ۴ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۸۳ آمده است: معلولان می‌توانند در استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی (مترو، هواپیما، قطار) از تسهیلات نیم بهاء بهره مند گردند.

\* ذکر کلی نام معلولان در ماده ۴ قانون مصوب سال ۱۳۸۳ باعث می‌شد تا معلولین درجات خفیف و متوسط نیز از مزایای این قانون بهره مند شوند که متاسفانه با تأکید بر شدت معلولیت در قانون اخیر این امکان از معلولین درجات خفیف و متوسط گرفته شده است. حال اگر قانونگذار استفاده ی نیم بهاء بلیط حمل و نقل برون شهری را مختص معلولین شدید و خیلی شدید نموده است بهتر بود استفاده رایگان از حمل و نقل درون شهری که اکثر قریب به اتفاق معلولین درجه شدید و خیلی شدید نمی‌توانند از آن استفاده کنند را شامل همه درجات معلولین می‌نمود. در حال حاضر معلولین درجات خفیف و متوسط زیادی هستند که از تسهیلات و تخفیفات حمل و نقل درون شهری استفاده می‌کنند و با اجرایی شدن این قانون این حداقل امکان نیز از آنها دریغ می‌گردد.

سطح بندی معلولان برخلاف جانبازان که درصد به درصد انجام می‌شود تنها در چهار سطح خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید است و امکان این وجود دارد که معلولی نزدیک به درجه شدید باشد ولی در درجه متوسط قرار بگیرد. علاوه بر آن در موضوع ایاب ذهاب، معلولین جسمی حرکتی بیشتر دچار مشکل هستند و ممکن است معلولین جسمی حرکتی درجه متوسط و حتی خفیف قادر به سفر کردن با قطار و اتوبوس نباشند و یا با سختی بسیار زیادی با وسیله ای غیر از هواپیما سفر کنند. بنابراین شایسته بود که در موضوع ایاب ذهاب و حمل و نقل و معافیت ها و تخفیف ها در مبلغ بلیط، معلولین جسمی حرکتی بصورت متفاوت دیده می‌شدند. همینطور که در قسمت هایی از قانون باید معلولیت های دیگر بیشتر دیده شوند. بنابراین نگاه

همسان به معلولیت های مختلف نادرست است مگر اینکه تصمیم حاکمیت بهره مندی همه معلولین از امکانات باشد مانند ماده ی ۴ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۸۳ که همه معلولین را از تسهیلات حمل و نقل بهره مند نموده بود.

\*در خصوص تسهیلات حمل و نقل برون شهری، از سال ۱۳۸۳ که قانون جامع حمایت از حقوق معلولین مصوب گردیده است تا بحال تنها شرکت هواپیمایی هما تخفیف هایی در قیمت بلیط برای معلولین اعمال نموده است. شرکت های هواپیمایی دیگر و شرکت های ریلی، هیچ تخفیفی در قیمت بلیط برای معلولین در نظر نگرفته اند.

لازم است در خصوص تخفیف قیمت بلیط شرکت هواپیمایی هما مواردی را عنوان نمایم:

در زمانی که قیمت بلیط هواپیما ثابت بود، قانون فروش نیم بهاء بلیط به معلولین در شرکت هما بصورت واقعی اجرا می گردید ولی از وقتی که قیمت ها شناور شده است و در زمان های مختلف، بلیط یک مسیر واحد، با قیمت های متفاوت به فروش می رسد، شرکت هما قانون فروش نیم بهاء بلیط به معلولین را عوض نموده است و با تفسیر خود به این ترتیب عمل می نماید:

شرکت هما برای اعمال تخفیف تصریح شده در قانون، کف قیمتی قرار داده است و این کف در مسیرهای پروازی مختلف متفاوت است. مثلاً در مورد پرواز یک مسیر ۹۰ هزار تومان است و در مورد پرواز مسیری دیگر ۱۵۰ هزار تومان است و ....

در مسیری که کف قیمتی آن ۹۰ هزار تومان است و قیمت تمام بهای بلیط این مسیر پروازی در زمان های مختلف به عنوان مثال ۸۹ هزار تومان، ۱۱۴ هزار تومان، ۱۴۵ هزار تومان، ۱۹۸ هزار تومان و ۲۶۲ هزار تومان است، اگر معلولی بخواهد بلیط پروازی را خریداری کند که قیمت تمام بهاء آن ۲۶۲ هزار تومان است، باید ۱۳۱ هزار تومان پرداخت کند. اگر معلولی بخواهد بلیط پروازی را خریداری کند که قیمت تمام بهاء آن ۱۹۸ هزار تومان است، باید ۱۰۳ هزار تومان (۹۰ هزار تومان بابت کف قیمتی و ۱۳ هزار تومان بابت مالیات) پرداخت کند. اگر معلولی بخواهد بلیط پروازی را خریداری کند که قیمت تمام بهاء آن ۱۴۵ هزار تومان است، باید ۱۰۳ هزار تومان پرداخت کند و اگر معلولی بخواهد بلیط پروازی را خریداری کند که قیمت تمام بهاء آن ۱۱۴ هزار تومان است، باز هم باید ۱۰۳ هزار تومان بپردازد.

اگر این معلول بخواهد بلیطی را خریداری کند که قیمت تمام بهاء آن ۸۹ هزار تومان است، هیچ تخفیفی به او تعلق نمی گیرد و باید مانند یک فرد عادی بلیط خریداری کند.

شرکت هما می گوید حداقل قیمت بلیط کلاس معلولین برای مسیر مذکور ۹۰ هزار تومان است و با ۱۳ هزار تومان مالیات ۱۰۳ هزار تومان از معلول اخذ می گردد.

در شرکت هما تخفیف نیم بهاء بلیط برای معلولین در خصوص پروازهایی که قیمت بلیط آنها بالا است اعمال می گردد!!

این در صورتی است که در متن قانون به صراحت کلمه ی نیم بهاء آمده است و بلیط نیم بهاء در شرکت های هواپیمایی از جمله شرکت هما کاملاً تعریف شده است و در حال حاضر در مورد کودکان زیر ۱۲ سال اعمال می گردد. یعنی اگر شخصی که مثلاً ۱۱ سال سن دارد بلیط پروازی که قیمت تمام بهاء آن ۱۱۴ هزار تومان است را خریداری کند، با تخفیف نیم بهاء از او مبلغ ۵۷ هزار تومان دریافت می گردد.

این موضوع واقعاً تعجب آور است!! چرا این رویه ی فروش برای معلولین اعمال می گردد؟

چرا شرکت هما حاضر است در فروش بلیط، ۱۳۱ هزار تومان به معلول تخفیف دهد(در پروازی که قیمت تمام بهاء آن ۲۶۲ هزار تومان است و در بالا ذکر شد) ولی حاضر نیست ۵۷ هزار تومان به معلول تخفیف دهد(در پروازی که قیمت تمام بهاء آن ۱۱۴ هزار تومان است و در بالا ذکر شد)!!

منطق اقتصاد حکم می کند شرکت هما و هر شرکت هواپیمایی دیگری تدابیری بیندیشند که تخفیف کمتر یعنی ۵۷ هزار تومانی به معلولین بدهند ولی شرکت هما دوست دارد تخفیف ۱۳۱ هزار تومانی بدهد!! چرا؟

معلولین عمدتاً از قشر ضعیف جامعه هستند و تمایل دارند با پرواز های ارزانتر سفر کنند. واقع قضیه این است که بسیاری از معلولین قیمت نیم بهاء بلیط هواپیما را هم به سختی تهیه می کنند. اگر تخفیف نیم بهاء در پروازهای با قیمت بلیط ارزان شامل حال معلولین می گردید، تعداد بیشتری از این عزیزان می توانستند از هواپیما برای سفر استفاده کنند.

این نحوه ی فروش بلیط در شرکت هما باعث شده است که معلولینی که از حداقل توانایی مالی برخوردار هستند و از طرفی تنها راه سفر برای آنها هواپیما است، از این امکان محروم شوند.

نحوه عملکرد شرکت هما در فروش بلیط به معلولین این شائبه را بوجود می آورد که مسئولین این شرکت خواسته اند با در نظر گرفتن کف قیمت، باعث شوند تعداد زیادی از معلولین (که اتفاقاً هدف قانونگذار بهره مندی همین افراد از تخفیف بوده است) از سفر هوایی منصرف شوند و اصلاً مراجعه ای جهت خرید بلیط نداشته باشند. در نتیجه شرکت نیز مجبور به تخفیف نخواهد شد. از طرفی جمعیت معلولینی که وضعیت مناسب تر مالی دارند بسیار

کمتر از معلولینی است که وضعیت نامناسب مالی دارند و در نتیجه تعداد کمی جهت خرید بلیط نیم بهاء مراجعه می کنند، بنابراین در نهایت از نظر مالی به نفع شرکت هواپیمایی هما است.

این رویه‌ی عملکرد علاوه بر اینکه خلاف قانون است، ظلم بزرگی به جامعه معلولین کشور می باشد.

بنابراین شرکت های هواپیمایی و شرکت های ریلی و شرکت های دریایی مکلف هستند قانون تصریح شده مبنی بر فروش نیم بهاء (تخفیف ۵۰٪) بلیط به معلولین را بدون تفسیر به رای انجام دهند و اگر انجام ندهند به مجازات های مندرج در تبصره ی ماده ۴ محکوم می شوند.

آنچه که مهم است، معلولین و خانواده های آنها و متولی امور معلولین یعنی سازمان بهزیستی نباید در مقابل عدم اجرای این قانون کوتاه آیند. عدم مطالبه گری سرنوشت این قانون را مانند قانون مصوب سال ۱۳۸۳ می کند.

از نقاط قوت تبصره ۲ ماده ۵ قانون اخیر اولاً داشتن ضمانت اجرایی است که در تبصره ماده ی ۴ آمده و بسیار موثر است و ثانیاً شمولیت همه ی سامانه های برون شهری ریلی، هوایی و دریایی دولتی و عمومی غیردولتی در اعمال تخفیف به معلولین شدید و خیلی شدید است.

البته باید امکان فروش بلیط قطار و هواپیما و کشتی با تخفیف مصرح در قانون، بصورت مجازی، خرید از اپلیکیشن ها و سایت ها و تلفنی که افراد سالم از آن استفاده می کنند، برای معلولین نیز فراهم گردد.

**ماده ۸-** استفاده افراد دارای معلولیت از مراکز، تأسیسات و خدمات ورزشی دستگاه های دولتی و شهرداری های کشور، رایگان است.

این ماده به ظاهر امتیاز بسیار خوبی برای معلولین است ولی با توجه باینکه اکثر قریب باتفاق دستگاه های دولتی و شهرداری ها مراکز و تأسیسات ورزشی خود را به بخش خصوصی واگذار کرده اند و این واگذاری با مزایده و دریافت وجه قابل توجه بابت اجاره مکان ورزشی انجام شده است و امکان این وجود ندارد که بخش خصوصی برای ارائه خدمات رایگان به معلولین مکلف شود بنابراین این ماده تقریباً فقط سیاهی کاغذ است.

از طرفی اماکن ورزشی در صورتی می تواند مورد استفاده معلولین قرار گیرد که مناسب سازی شده باشد. البته ممکن است بعضی اماکن ورزشی برای معلولین درجه خفیف و متوسط قابل استفاده باشد.

\*لازم بذکر است، در قانون مذکور برای این ماده ضمانت اجرایی قید نشده است.

**ماده ۹-** افراد دارای معلولیت نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می توانند با معرفی سازمان از آموزش عالی رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارت خانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی بهره مند گردند. اعتبارات موضوع این ماده هر سال ذیل ردیف اصلی سازمان پیش بینی و دولت مکلف به تأمین این اعتبار می شود.

\*لازم بذکر است، در قانون مذکور برای این ماده ضمانت اجرایی قید نشده است.

**ملاحظه:** وقتی صحبت از تحصیلات عالی برای معلولین می شود ناخود آگاه انسان بیاد ظلمی می افتد که در حق معلولین روا گردیده است و متأسفانه اصلاً دیده نمی شود.

همان گونه که استحضار دارید، مدت کوتاهی بعد از شروع جنگ تحمیلی و تا مدت زیادی بعد از اتمام آن، سهمیه پذیرش دانشگاه ها به نحوی ساماندهی شده بود، تا فرزندان مخلص و فداکار این کشور که درس و کلاس خود را رها کرده و به جبهه های نبرد شتافته بودند، در ورود به دانشگاه مورد حمایت قرار گیرند. هدف از این قانون، جبران عقب ماندگی و محرومیت ناخواسته این عزیزان از تحصیل بود.

در حقیقت با این شیوه، حاکمیت باید بین دو گروه از افراد جامعه - جوانانی که بخاطر دفاع از کشور درس و زندگی را رها کرده بودند و افرادی که بدون توجه به وظیفه خطر کشور فقط به درس و زندگی خود اهمیت می دادند - تفاوت قائل می شد. لذا ۴۰٪ از سهمیه پذیرش دانشگاه ها، به رزمندگان تعلق گرفت.

علاوه بر آن، درصدی از سهمیه ورود به دانشگاه ها به جانبازان، درصدی به خانواده شهدا، درصدی به جهادگران جهاد سازندگی، درصدی به عشایر، درصدی به آموزگاران و درصدی هم به سوادآموزان نهضت سوادآموزی تعلق گرفت. یعنی حدوداً نصف ظرفیت ورود به دانشگاه ها در قالب سهمیه های فوق به گروه های مذکور تعلق می گرفت و نصف دیگر آن به گروه "سهمیه مناطق" که از قضا جمعیت بسیار بزرگی تشکیل می دادند، تعلق می گرفت. البته بدیهی بود، رقابت برای قبولی در دانشگاه در سهمیه مناطق بسیار سخت و شرایط قبولی برای آنها واقعا مشکل بود.

معلولین نیز باید از طریق همین سهمیه مناطق وارد دانشگاه می شدند.

هیچ حرفی در اختصاص سهمیه به گروه‌های مذکور نیست ولی آن گروهی که هیچوقت دیده نشد معلولین بودند.

واقعاً معلولینی بودند که عاشق حضور در جبهه بودند ولی بخاطر معلولیت نمی توانستند در جبهه های حق علیه باطل شرکت نمایند. از طرفی تحصیل برای معلولین در بعضی موارد تنها راه زندگی سعادتمندانه در آینده بود.

با توجه به تعداد کم پذیرش دانشجو در آن مقطع زمانی و متقاضی بسیار زیاد در سهمیه مناطق، بسیاری از معلولین از ورود به دانشگاه محروم شدند در حالیکه وقتی قرار به سهمیه بندی بود شاید با اختصاص ۱٪ از سهمیه ورود به دانشگاه‌ها به این گروه، بسیاری از معلولین، از امکان تحصیلات عالی بهره‌مند می شدند.

به نظر می‌رسد، معلولین از جمله افراد خاصی بودند که مطمئناً از سوادآموزان نهضت سوادآموزی و آموزگاران مستحق‌تر بودند، اما در این قضیه نگاهی به آنها معطوف نشد. شاید فقدان بهره‌مندی از یک متولی درد آشنا و دلسوز، که بتواند در بزنگاه‌ها از حقوق آنان دفاع نماید، سبب شد تا در برهه‌ای از زمان تحت این بی عدالتی قرار گیرند.

شاید قانونگذاران در آن زمان معلولین را مانند شخصی در نظر گرفتند که توانایی شرکت در جهاد را دارند ولی از حضور امتناع می‌کنند و لذا به شرایط خاص آنها کمتر توجهی شد (توجهی در حد هیچ!!) و این ظلم باعث شد که تعداد زیادی از معلولین نتوانند به تحصیلات عالی دست یابند و در کشور ما که فرهنگ مدرک‌گرایی از صدر تا ذیل مسئولین و مردم را تحت تاثیر خود قرار داده، این نقص - نداشتن مدرک تحصیلات عالی - بر نقص معلولیت آنها افزوده شد و آنها را از رسیدن به فعالیت‌ها و شان اجتماعی مناسب و کسب درآمد کافی دورتر کرد.

حال چه باید کرد و چه باید گفت؟ و چگونه باید این ناعدالتی جبران شود؟

البته هنوز هم سهمیه‌هایی در کنکور وجود دارد و همچنان معلولین هیچ سهمی از این امتیازات ندارند.

در بند ۲۶ فرم ثبت نام کنکور سال ۱۳۹۷ سهمیه های زیر قید گردیده است:

- خانواده شهدا(پدر، مادر، خواهر و برادر شهید)

- جانباز ۲۵٪ و بالاتر

- فرزند جانباز ۲۵٪ و بالاتر

- همسر جانباز ۲۵٪ و بالاتر

- آزادگان

- فرزند آزاده

- همسر آزاده

- فرزند شهید و مفقودالایر

- همسر شهید و مفقودالایر

- رزمنده داوطلب بسیجی(اعزامی از سپاه)

- رزمنده وزارت جهاد کشاورزی

- رزمنده ستاد کل نیروهای مسلح

- جانباز کمتر از ۲۵٪

- فرزند جانباز کمتر از ۲۵٪

- همسر جانباز کمتر از ۲۵٪

- فرزند رزمنده داوطلب بسیجی(اعزامی از سپاه)

- فرزند رزمنده وزارت جهاد کشاورزی

- فرزند رزمنده ستاد کل نیروهای مسلح

- همسر رزمنده داوطلب بسیجی(اعزامی از سپاه)

- همسر رزمنده وزارت جهاد کشاورزی

- همسر رزمنده ستاد کل نیروهای مسلح

بدین ترتیب ۲۵٪ + ۵٪ یعنی ۳۰٪ از ظرفیت ورود به دانشگاه ها به گروه های فوق تعلق می گیرد.

در بند ۲۹ فرم ثبت نام کنکور ۱۳۹۷ تاکید کرده است که معلولیت خود را قید ننمائید.

ناشنوا هستم. کم شنوا هستم. نابینا هستم. کم بینا هستم. معلول جسمی حرکتی هستم.

بعد آمده است: با توجه به نوع و میزان معلولیت برای شرکت در جلسه آزمون و پاسخگویی به سئوالات نیاز به منشی دارم. نیاز به منشی ندارم.

با تایید سازمان بهزیستی برای افرادی که نیازمند منشی هستند این امکان فراهم می شود و شماره صندلی معلولین جسمی حرکتی هم در طبقه همکف محل برگزاری کنکور در نظر گرفته می شود.

این حداکثر کاری است که سازمان سنجش برای معلولین انجام می دهد.

ملاحظه: علاوه بر سهمیه های مذکور در فوق، همان امتیاز ماده ی ۹ قانون معلولین یعنی آموزش عالی رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی نیز طبق قانون ایثارگران و با قدرت و بودجه بیشتر به عزیزان ایثارگر تعلق می گیرد.

### درخواست معلولین:

تحصیلات عالی در رشته های خاص، متناسب با محدودیت معلولین میتواند سبب اشتغال، توانمندی و عزت آنها شود.

وقتی قرار بر سهمیه بندی برای ورود به دانشگاه است و این سهمیه حتی شامل کسانی نیز می شود که به هیچ وجه جنگ و تبعات آن باعث عقب افتادگی درسی آنها نشده است چرا این سهمیه برای معلولین نباشد؟ معلولینی هستند که برای آموزش و آماده شدن در رقابت کنکور واقعاً مشکل دارند مثلاً محدودیت های جسمی متفاوت باعث می گردد حتی حضور آنها در مدرسه با مشکلات فراوانی انجام شود و همچنین محدودیت هایی وجود دارد که فرایند یادگیری را برای آنها مشکل می کند، بنابراین خیلی توقع بالایی نیست که برای ورود معلولین به دانشگاه در رشته های خاصی که با توانایی آنها مطابقت داشته و در ضمن کاربردی هم باشد - یعنی به اشتغال بیانجامد - درصدی از سهمیه منظور شود.

بهرحال اینکار انجام نشده است ولی مطالبه جامعه معلولین این است که برای معلولین بنابر نوع معلولیت آنها در رشته های خاص سهمیه ای منظور گردد.

**ماده ۱۱-** دولت مکلف است جهت ایجاد فرصت های شغلی برای افراد دارای معلولیت تسهیلات ذیل را فراهم نماید.

**ت -** اختصاص حداقل شصت درصد (۳۰٪) از پستهای سازمانی تلفنچی (اپراتور تلفن) دستگاهها، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم بینا و افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی.

**ث -** اختصاص حداقل شصت درصد (۳۰٪) از پستهای سازمانی متصدی دفتری و ماشین نویسی دستگاهها، شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی به افراد دارای معلولیت جسمی، حرکتی.

**ملاحظه:** البته در لایحه دولت درصدهای قید شده در بندهای ت و ث ماده ی مذکور ۶۰٪ بود که به لطف آقای لاریجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی ۶۰٪ بندهای ت و ث به ۳۰٪ تقلیل یافت.

**تبصره:** کلیه وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی مجازند تا سقف مجوزهای استخدامی سالانه خود، افراد نابینا و ناشنوا و افراد دارای آسیب نخاعی واجد شرایط را با آزمون استخدامی بین خود معلولین به کار گیرند.

**ملاحظه:** البته در لایحه دولت بجای با آزمون استخدامی بین خود معلولین عبارت راساً به صورت موردی و بدون آزمون استخدامی بود که به لطف آقای لاریجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی از این تبصره، عبارت راساً به صورت موردی و بدون آزمون استخدامی حذف گردید و عبارت با آزمون استخدامی بین خود معلولین جایگزین شد.

**ماده ۱۵-** دولت مکلف است حداقل سه درصد (۳٪) از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه ها، سازمانها، مؤسسات، شرکتها و نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاههایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می نمایند را به افراد دارای معلولیت واجد شرایط اختصاص دهد.

**تبصره ۱-** وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات دولتی، شرکتها و نهادهای عمومی و انقلابی مکلفند ۳٪ از مجوزهای استخدامی خود را به افراد دارای معلولیت اختصاص دهند. سازمان امور اداری و استخدامی کشور موظف است نسبت به تخصیص این سهمیه استخدامی برای افراد دارای معلولیت اقدام و بر رعایت آن نظارت نماید.

**تبصره ۲-** بالاترین مسئول دستگاه‌های اجرایی، نهادهای عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها مکلف به اجرای دقیق مفاد این ماده می‌باشند. متخلفین حسب مورد با حکم مراجع ذیصلاح به مجازات‌های مندرج در تبصره ماده ۴ این قانون محکوم می‌شوند.

**\*متأسفانه با توجه به عدم تأیید تبصره ماده ۴ این قانون توسط شورای محترم نگهبان ضمانت اجرایی این ماده مهم حذف گردید.  
توضیح:**

- جهت تقریب به ذهن و برای روشن شدن موضوع، بخشی از سهمیه و امتیازات قانون استخدامی سال ۱۳۹۴ را محضر مبارکتان تقدیم داشته و در پایان پیشنهادی نیز بیان می‌گردد:

### امتیازات و سهمیه های قانونی استخدام متمرکز سال ۱۳۹۴ :

۱-

۲-

۳-

۴- معلولین عادی بشرط دارا بودن شرایط مندرج در آگهی و کسب حد نصاب نمره لازم آزمون عمومی، به ترتیب نمره مکنتسه از (۳) درصد سهمیه قانونی برخوردار خواهند بود.

۵- سهمیه استخدامی ۲۵ درصد ایثارگران شامل جانبازان، آزادگان فاقد شغل و فرزندان و همسران شهدا و فرزندان و همسران جانبازان بیست و پنج درصد و بالاتر و فرزندان و همسران آزادگان دارای یک سال و بالای یکسال اسارت توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران به دستگاه مربوطه معرفی گردیده و در حال طی فرایند جذب می باشند .

توجه : خواهر و برادر شهید نیز مشمول سهمیه ۲۵ درصد ایثارگران بوده لکن از شرط آزمون معاف نبوده و ملزم به شرکت در آزمون می باشند. بنابراین در صورتی که سهمیه مذکور تا سقف قانونی یاد شده تامین نشده باشد، صرفاً در بین خود به رقابت خواهند پرداخت.

- پنج درصد ۵٪ سهمیه استخدامی به رزمندگان با سابقه حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه ها و همسر و فرزندان آنان و فرزندان جانبازان زیر بیست و پنج درصد ۲۵٪ و فرزندان آزادگان کمتر از یکسال اسارت اختصاص می یابد .

- انتخاب اولویت در مشمولین پنج درصد سهمیه استخدامی، با رزمندگان میباشد (رزمندگان در صورت ثبت نام و داشتن شرایط احراز لازم در حد سهمیه تعیین شده از شرط آزمون معاف می باشند) و سایر مشمولین سهمیه مذکور در اولویت بعدی قرار داشته و در بین خود به رقابت خواهند پرداخت.

- استخدام مازاد بر سهمیه استخدامی ایثارگران از طریق رقابت با سایر داوطلبان صورت خواهد گرفت.

**ملاحظه:** اگر وضعیت یک معلول درجه شدید را، با درصدهای یک جانباز مقایسه کنیم، تقریباً برابر یک جانباز هفتاد درصد، محدودیت جسمی دارد. مستحضرید این موضوع در دنیا به یک اصل تبدیل شده است که: "خدمت رسانی به معلولین باید بدون در نظر گرفتن منشاء معلولیت باشد".

و موضوع دیگری که همه به آن ادعان داریم، تجلیل خاص جانبازان عزیز و حق آنهاست.

اگر از ما تجلیل نشود، در این خصوص هیچ ادعایی نداریم ولی انتظار ما اینست یکباش حسب شرایط موجود فرصتی فراهم می شد تا امکاناتی که در اختیار جانبازان عزیز قرار می گیرد، حداقل از معلولین نیز مضایقه نشود.

در طی سالهای اخیر با توجه به معذوریت های قانونی، استخدام دولتی بندرت انجام می شود و اگر در کل استخدام های کشور، نگاهی جامع بیندازیم، درمی یابیم که بسیاری از پست های تعریف شده نیز دارای شرط صحت جسمانی اند و معلولین نمی توانند در آن مشاغل جذب شوند. یعنی واقعیت این است که از هر ده شغلی - پست تعریف شده - که آگهی استخدام برای آن منتشر می گردد تقریباً در نه (۹) مورد، شرط سلامت جسمانی را برای استخدام ضروری می دانند. حال ضرورت سلامت جسمانی را یا رسماً اعلام می کنند و یا در عمل و در گزینش و طی مراحل استخدام، ترتیبی اتخاذ می شود که فرد معلول جذب نگردد. یعنی اینکه: "به اندازه ی ۳ درصد مذکور در قانون نیز معلول استخدام نمی شود" و در واقعیت، جذب معلولین درصد بسیار کمتری از ۳٪ مذکور است. شاید عملاً آن مقداری از سهمیه استخدامی که شامل حال معلولین می شود حدود ۰/۳ درصد باشد. یعنی از هر هزار استخدام در کل کشور سه نفر معلول جذب می شود و این یعنی هیچ!! ولی در مورد ایثارگران چون در کنار ایثارگر، همسر و فرزندان آنها نیز در قانون ذکر شده است، همه (۲۵) + (۵) یعنی ۳۰٪ درصد، شامل حال ایثارگران و خانواده آنها می شود.

### درخواست معلولین:

**الف-** در مورد ۳ درصد سهمیه استخدامی معلولین، در صورتیکه آن شغل دارای شرط سلامتی جسمانی باشد و عملاً شامل حال معلولین نشود، سهمیه مذکور (۳ درصد)، به همسر و فرزندان معلولان تخصیص پیدا کند.

اگر یک معلول بیکار، دارای فرزند بیکار نیز باشد بدیهی است گرفتاری او بیشتر است و مسلم است که اگر برای فرزند و یا همسر او اشتغال ایجاد شود در این حالت می تواند باری را از دوش معلول بردارد و فرزند یا همسر شاغل او می تواند در چنین وضعیتی، کمک حال معلول باشند.

**ب-** یا در روشی دیگر: سرجمع ۳ درصد از کل سهمیه استخدامی در سازمانها، نهادها و وزارتخانه ها، به معلولین اختصاص پیدا کند یعنی اگر قسمتی از حاکمیت (سه قوه و مجموعه های زیر نظر رهبری)، شرط سلامت جسمانی را برای استخدام قرار داده اند، سهمیه معلول به قسمت دیگری از حاکمیت که دارای شرط سلامت جسمانی نیست منتقل شود. بدین ترتیب بعضی از دستگاهها باید بیش از ۳ درصد استخدام خود را به معلولین اختصاص دهند تا سهمیه معلولین کامل و بهبود یابد.

**ج-** پایدار نمودن موقعیت شغلی معلولین شاغل:

بعضی از معلولین، خود و بدون استفاده از سهمیه استخدامی به سازمانها و نهادهای دولتی ورود پیدا کرده اند و مشغول بکار هستند. متأسفانه بسیاری از این عزیزان دارای امنیت شغلی نیستند. مثلاً بصورت قراردادی یا شرکتی مشغول بکار هستند و قرارداد آنها حداکثر سالانه تمدید می شود و با توجه به نگاه نادرست جامعه به معلولین، با تغییر مدیران سازمانها ممکن است قرارداد این معلولین تمدید نشود و اندک افرادی از معلولین هم که شاغل هستند بیکار گردند. بعضی از آنها مدت زمان زیادی در دستگاه های دولتی مشغول بکار هستند - پنج سال یا ده سال و یا حتی بیشتر - ولی علی رغم این همه گذشت زمان، بخاطر عرف حاکم بر بعضی سازمان های دولتی که در سال های اخیر حاکم شده است تاکنون تبدیل وضعیت نشده اند.

اگر دولت قصد کمک به اشتغال معلولین را دارد و این را یک ادعای واقعی می داند، ابتدائی ترین، عاقلانه ترین، واجبترین، مهمترین و در عین حال آسانترین راه این است که از بیکار شدن معلولین شاغل فعلی جلوگیری نماید.

این مهم تنها با تبدیل وضعیت استخدامی معلولین شاغل و ایجاد امنیت شغلی برای این خیل از معلولین محقق می شود. با این اقدام، از بیکار شدن معلولین شاغل که گاهی بصورت سلیقه ای در سازمانها و ادارات از کار بیکار می شوند جلوگیری می شود.

تعدادی از این معلولین شاغل، بدون وجود دلایل محکمه پسند، یا بی آنکه تخلفی از آنها سر زده باشد و حتی بدون صدور حکم هیات تخلفات اداری و تنها بخاطر فقدان امنیت شغلی، از آنجا که تمدید قراردادها غالباً حسب سلیقه و نظر شخصی مدیر (!!)) تمدید می شود، لذا گاهی صرفاً فقط بخاطر معلول بودن از کار بیکار می شوند.

اینجانب جهت اطلاع جامعه معلولین از حقوق خود در خصوص امتیازات اشتغال در قانون اخیر، از شخصی که کارشناس امور اداری است چند سؤال نموده ام که سئوالات و پاسخ آنرا در اختیار شما عزیزان قرار می دهم:

### سئوالات:

**سؤال (۱)** ساختار جذب در موارد بندهای ت و ث ماده ی ۱۱ قانون حمایت از حقوق معلولین چگونه است؟ آیا باید آزمون استخدامی برگزار شود؟ یا به طریقه دیگری است؟

**سؤال ۲)** در مورد تبصره ماده ۱۱ برداشت اینجانب به اینصورت است: مثلاً سازمانی چند مجوز استخدامی دارد. اختیار این مجوزها در دست رئیس مجموعه است. می تواند برای تبدیل وضعیت نیروهای درون سازمانی استفاده کند یا نیروی جدید جذب کند. حال قانونگذار به رئیس سازمان اجازه داده است (عبارت مجازند آمده است و عبارت مکلفند نیامده است) که در صورت تمایل، معلولین بشرح این تبصره را استخدام کند.

حال اگر بخواهد با توجه به تغییر پیش آمده در این قانون، آزمون استخدامی بین معلولین برگزار شود، پروسه ای دارد که شاید هر رئیس سازمانی زیر بار این اقدام نرود. در حقیقت با اضافه شدن عبارت آزمون بین معلولین، به نظر می رسد که کل این تبصره انجام نشود. البته اگر بجای مجازند، مکلفند می آمد، برگزاری آزمون استخدامی مانعی در بهره مندی معلولین از این تبصره نبود.

استدلال آقای دکتر لاریجانی برای جایگزینی عبارت آزمون بین معلولین بجای عبارت راساً بصورت موردی و بدون آزمون، جلوگیری از پارتی بازی بود که با در نظر گرفتن مشمولین این تبصره که معلولین نابینای مطلق، ناشنوای مطلق و آسیب نجاتی هستند، پارتی بازی اصلاً موضوعیت ندارد و اگر مسئولی حتی فرزند نابینای مطلق خودش را هم استخدام کند باز هم کمک بزرگی به جامعه معلولین کرده است.

به نظرم با این تغییر به ضرر جامعه معلولین عمل شد.

آیا برداشت حقیر درست است؟ اگر نادرست است لطفاً منظور این تبصره را توضیح فرمائید.

**سؤال ۳)** آیا ساختار جذب ۳٪ در ماده ۱۵ فقط آزمون استخدامی است؟

**سؤال ۴)** آیا سهمیه های استخدامی فوق شامل حال افراد معلول شاغل در سازمان های دولتی برای تبدیل وضعیت می شود؟ آیا برای بهره مندی از این امتیازات تنها راه آن شرکت در آزمون استخدامی است؟ (با عنایت باینکه ممکن است بعضی سازمان ها برای چندین سال دیگر آزمون استخدامی نداشته باشند.)

راهکار استفاده از این سهمیه ها برای تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانی چیست؟

### پاسخ سئوالات مطرح شده:

**پاسخ سوال یک:** ساختار جذب برای بندهای ت و ث کاملاً در اختیار دستگاه است. توجه شود بندهای ت و ث می گوید ۳۰ درصد پست های سازمانی به معلولین اختصاص یابد و نه مجوزهای استخدامی.

لذا دستگاه خودش می تواند تصمیم بگیرد که چگونه ۳۰ درصد پست های مشخص شده را به معلولین اختصاص دهد.

**پاسخ سوال دو:** تبصره ماده ۱۱ اساساً حرف دیگری است. می گوید تا سقف مجوزهای استخدامی.

یعنی اگر سازمانی تصمیم بگیرد صد درصد مجوز استخدامی خود را به معلولین اختصاص دهد، هم مجاز است چنین کاری را انجام دهد و هم راهش برگزاری آزمون استخدامی بین معلولین است. البته این تبصره سنگ بزرگی است به نشانه نزدن و غالباً اجرایی نمی شود.

**پاسخ سوال سه:** روش جذب سه درصد در ماده ۱۵ بیان نشده است. بنابراین روش جذب سه درصد مذکور تابع بخشنامه های سالیانه دولت هاست که شیوه جذب نیروهای دولت را اعلام می کند. بعضی وقت جذب فقط از طریق آزمون استخدامی عمومی صورت می گیرد و بعضی وقت ها در اختیار دستگاه است.

چون ماده ۱۵ هیچ الزامی نکرده است که جذب سه درصد از طریق آزمون استخدامی باشد، این مفهوم قابل برداشت است که اختیار شیوه جذب سه درصد در اختیار دستگاه باشد.

**پاسخ سوال چهار:** بر مبنای قوانین موجود، هیچ ارتباطی بین مجوزهای استخدامی و تبدیل وضعیت وجود ندارد. تبدیل وضعیت فقط از پیمانی به رسمی آزمایشی و از رسمی آزمایشی به رسمی قطعی معنا دارد که هیچ نیازی هم به مجوز استخدامی ندارد. تمام مجوزهای استخدامی، برای استخدام ابتدایی است. دستگاهها بعضی وقت ها نیروهای قراردادی خود را عرفاً به پیمانی تبدیل وضع می کنند. اما در واقع این دستگاه ها به جای استخدام نیرو از بیرون، نیروهای داخلی خود را استخدام کرده اند. اگر رویکرد دستگاه برای استفاده از مجوز استخدامی، استخدام نیروهای قراردادی داخل سازمان باشد، قطعاً سه درصد هم شامل همین رویکرد می شود. به زبان ساده تر، امکان این وجود دارد که دستگاه از این مجوزها برای تبدیل وضعیت معلولینی که بصورت قراردادی مشغول بکار هستند، بدون آزمون استخدامی، استفاده کند.

**ماده ۱۹-** افراد دارای معلولیت از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی، آماده سازی زمین، عوارض نوسازی و هم چنین حق انشعابات آب، برق، گاز و دفع فاضلاب منطبق با الگوی مسکن مصوب معاف می باشند.

**تبصره ۱-** استفاده از تسهیلات موضوع این ماده برای هر فرد دارای معلولیت صرفاً برای یک واحد مسکونی مجاز است.

**تبصره ۲-** دولت مکلف است اعتبار مورد نیاز اجرای حکم این ماده را در لوایح بودجه سالانه پیش‌بینی کند.

\*لازم بذکر است، در قانون مذکور برای این ماده ضمانت اجرایی قید نشده است.

آنچه که از این ماده برداشت می‌شود این است:

"قانون معافیت‌ها شامل معلولینی می‌شود که خود اقدام به ساخت مسکن نمایند."

یعنی شخص معلول زمین مسکونی تهیه نماید. زمین را آماده‌سازی کند. اقدام به اخذ پروانه ساختمانی نماید. درخواست انشعاب آب، برق، گاز، و دفع فاضلاب کند و در نهایت خود اقدام به ساخت مسکن نماید. در اینصورت است که معافیت‌های مذکور شامل حال شخص معلول می‌شود.

**ملاحظه:** اگر برداشت متولی معلولین یعنی سازمان محترم بهزیستی از ماده ی ۱۹ به ترتیبی که حقیر در فوق ذکر کردم نبود باز جای امیدواری وجود داشت که شاید سازمان بهزیستی از حقوق معلولین در تفاسیر مختلفی که از قانون مذکور می‌شود دفاع کند ولی متأسفانه نحوه گفتار و عملکرد سازمان محترم بهزیستی کاملاً نشان می‌دهد که تفسیر آن سازمان از تخصیص معافیت‌های ماده فوق بدین صورت است که:

این معافیت‌ها تنها شامل ساخت مسکن توسط شخص معلول بصورت انفرادی و مستقل می‌شود.

واقعیت حال و حاضر کشور ما نشان می‌دهد که اکثریت مردم - معلولین که بمانند - توان ساخت مسکن مورد نیاز خود را بدین ترتیب که زمینی تهیه و مسکنی احداث کنند را ندارند. اکثر مردم مسکن مورد نیاز خود را از انبوه‌سازان یا بساز بفروش‌ها پیش‌خرید می‌کنند و یا بعد از ساخته شدن مسکن توسط انبوه‌سازان و یا بساز و بفروش‌ها، واحد آپارتمانی مورد نیاز خود را از آنها خریداری می‌کنند.

بدلیل گرانی قیمت زمین، نه تنها در شهرهای بزرگ و متوسط حتی در شهرهای کوچک و بعضی روستاها نیز مردم به زندگی آپارتمانی در مجتمع‌های مسکونی روی آورده‌اند. بنابراین باعنایت باینکه کمتر معلولی توان ساخت مسکن را دارد و وارد شدن در شمول این قانون برای بسیاری از جامعه معلولین بعید است، عملاً می‌توان گفت ماده ی ۱۹ این قانون، در حال حاضر، برای جامعه معلولین بی‌فایده شده است.

واضح و روشن ذکر نمایم:

حداکثر توان ۹۹٪ معلولین کشور اینست که بتوانند یک واحد آپارتمان در یک مجتمع مسکونی تهیه نمایند. حال یا پیش‌خرید کنند یا بعد از ساخته شدن خریداری کنند و یا از دست چندم بخرند.

در تبصره مذکور هیچ اشاره‌ای به شمول معافیت‌ها در انبوه‌سازی و ساخت مسکن بصورت کلونی نشده است.

لازم بذکر است حقیر موضوع اعمال معافیت‌ها در پروژه‌ی مسکن مهر را پیگیری کردم که متأسفانه این معافیت‌ها شامل حال هیچ معلولی در مسکن مهر نشده است و سازمان محترم بهزیستی نیز اعتقادی به اعمال معافیت‌ها در پروژه‌های انبوه‌سازی شده ندارد.

بنابراین باید این ماده شامل حال مسکن مهر، انبوه‌سازی و ساخت مسکن بصورت کلونی مثلاً مجتمع‌های چند واحدی هم گردد تا بتواند مقداری از مشکلات مسکن معلولین را حل نماید.

واقعیت جامعه معلولین این است که بسیاری از معلولین، اگر بتوانند مسکنی تهیه کنند، حداکثر می‌توانند واحد مسکونی آپارتمانی چند سال ساخت خریداری کنند.

### **بنابراین درخواست معلولین:**

هر معلول برای یکبار و کاملاً برابر با عدالت، چه مسکنی را خود شخصاً بسازد، چه مسکنی را از انبوه‌ساز یا بساز و بفروش پیش‌خرید کند، چه مسکنی را از انبوه‌ساز یا بساز و بفروش بعد از ساخته شدن بصورت تازه‌ساز یا نو خریداری کند، چه مسکنی را بصورت تازه‌ساز یا نو از شخص دیگری خریداری کند و چه مسکنی را بصورت چند سال ساخت از فردی در جامعه خریداری کند، با ساختاری مناسب بتواند به اندازه معافیت‌های مذکور در ماده ۱۹ از کمک‌های حاکمیت بهره‌مند شود.

ماده ۲۳ که در زیر می‌آید یکی از مواد لایحه دولت بود که رئیس مجلس جناب آقای لاریجانی با این استدلال که در صورت مصوب شدن این ماده سازمان بهزیستی باید برای هر معلول جهت حضور در دادگاه یک نماینده بدهد، این قضیه را غیر منطقی دانستند و کل ماده ۲۳ را از لایحه حذف کردند. بنظر می‌رسید تصور رئیس محترم مجلس این بود که هر معلولی تحت هر عنوانی دعوائی داشته باشد، سازمان بهزیستی مکلف می‌شود به عنوان نماینده وی در دادگاه شرکت کند و با توجه به توضیح زیر انتظار ما از مسئولین سازمان بهزیستی و کمیسیون مشترک مجلس این بود که از حق معلولین در این بند دفاع کنند.

**ماده ۲۳-** سازمان مکلف است حسب درخواست فرد دارای معلولیت یا قیم وی (حسب مورد)، در پرونده‌هایی که حق فرد دارای معلولیت به دلیل معلولیت، مورد تعرض قرار گرفته یا چنین ادعایی مطرح است در صورتی که ادعای مزبور مورد تأیید سازمان باشد به عنوان نماینده وی، در دادگاه مربوط شرکت نماید.

ضمناً در تبصره ی ۲ ماده ۲۵ اصلاحیه قانون جامع حمایت از حقوق معلولان آمده بود: قوه قضائیه مکلف است خدمات قضایی و مشاوره ای ناظر به ایثارگران را درباره تمامی افراد دارای معلولیت اجرا کند.

**ملاحظه:** در خصوص ایثارگران، کمیسیون ماده ۱۶ وجود دارد که جانبازان، آزاده گان و خانواده شهدا شکایت خود را از عدم اجرای قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران به این کمیسیون عرضه می کنند در صورتی که در فرآیند بررسی پرونده شکایتی، رأی به وارد بودن شکایت صادر شود دستگاه مربوطه مکلف به اجرای رأی است و در صورتی که رأی به رد شکایت توسط کمیسیون ماده ۱۶ صادر شود فرد ایثارگر می تواند از رأی صادر شده در دیوان عدالت اداری شکایت کند. دیوان عدالت اداری نیز به استناد آئین دادرسی و در صورت محق دانستن ایثارگر با اشاره به مستندات قانونی، پرونده را به کمیسیون ارجاع می دهد تا مجدداً مورد بررسی قرار گیرد. پس از بررسی مجدد در صورتی که بر اساس مستندات قانونی دیوان عدالت اداری قابل استناد در جلسه باشد رأی به نفع ایثارگر صادر می شود و در غیر این صورت پرونده مجدداً رد می شود که در این صورت ایثارگر می تواند بار دیگر به دیوان مراجعه و برای بار دوم شکایت تنظیم کرده و در این حالت دیوان رأساً نسبت به صدور رأی اقدام می کند. به این ترتیب می توان گفت تنها دیوان عدالت اداری است که می تواند آراء کمیسیون ماده ۱۶ را کان لم یکن کند. در صورت عدم اجرای رأی کمیسیون ماده ۱۶ توسط دستگاه مشمول قانون، ابتدا به استناد قانون مجازات اسلامی اختاریه صادر می شود و در صورت عدم تمکین از طریق دادرسی کارکنان دولت و یا سایر مراجع صالح این امر پیگیری می شود. بنابراین دادرسی یا دادگاه‌ها به صورت شکلی ورود پیدا می کنند نه به صورت ماهوی، لذا مجازات‌هایی چون انفصال موقت و حتی دائم از خدمت و یا جریمه و ... برای دستگاه خاطی در نظر گرفته شده است.

بنابراین منظور ماده ۲۳ لایحه دولت، حق فرد دارای معلولیت به استناد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان است. لایحه، سازمان را مکلف می کرد که در مواردی که حقوق قانونی معلول که این حقوق به دلیل معلولیت برای او بوجود می آید - یعنی موارد همین قانون معلولین - اجرا نگردد، باید به عنوان نماینده وی در دادگاه حاضر شود.

تبصره ۲ ماده ۲۵ اصلاحیه قانون حمایت از حقوق معلولان هم چیزی مثل کمیسیون ماده ۱۶ ایثارگران را در مورد معلولان آورده بود که متأسفانه هیچ کدام مصوب نگردید.

بنابراین به هیچ وجه منظور لایحه دولت این نبود که برای هر دعوی معلولین، سازمان مکلف به حضور در دادگاه باشد.

در حال حاضر معلولین در صورتیکه قوانین مرتبط با معلولیت اجرا نگردد، برای احقاق حق خود با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند و تنها راه آنها طرح دعوا (توسط خود معلول) در دیوان عدالت اداری است.

**ماده ۲۵-** صد در صد هزینه‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت احداث و تجهیز و توسعه و مناسب‌سازی تمامی مراکز توانبخشی، نگهداری و مراقبتی، حرفه‌آموزی، آموزشی، کارآفرینی، رفاهی و مسکن مورد نیاز افراد دارای معلولیت با تأیید سازمان به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی محسوب می شود.

\*لازم بذکر است، در قانون مذکور برای این ماده ضمانت اجرایی قید نشده است.

این ماده در قانون مصوب سال ۱۳۸۳ هم بود ولی بعید است که از سال ۱۳۸۳ تا این تاریخ حتی در یک مورد هم این اتفاق افتاده باشد. یکی از علت های عمده عدم اجرای آن بی اطلاعی مردم از این قانون است. ممکن است بسیاری از مودیان در صورت اطلاع دوست داشته باشند مالیات خود را برای معلولین هزینه کنند ولی کسی از این قانون اطلاع ندارد. متأسفانه سازمان بهزیستی کشور هم تلاشی برای مطلع کردن مردم نکرده است. بهر حال اگر افرادی باید مالیاتی را به دولت بپردازند، می توانند با هماهنگی سازمان بهزیستی همان مقدار را یا بخشی از آنرا برای مواردی که در ماده ۲۵ آمده است هزینه نمایند و سند آنرا به دارایی ارائه نمایند. حتی می توانند برای مسکن معلولین مصرف کنند و چون محدودیتی در قانون ذکر نشده است می توانند با اطلاع و نظر سازمان بهزیستی برای مسکن فردی از نزدیکان خود که دچار معلولیت است هزینه نمایند.

این ماده بسیار مهم است البته اگر اطلاع رسانی خوبی شود. این اطلاع رسانی باید هم توسط رسانه ها و هم توسط مردم باشد. البته بعید بنظر نمی رسد که دولت در اجرای واقعی آن سنگ اندازی کند ولی اگر مطالبه واقعی و بحق ایجاد شود دولت هم مجبور به تمکین می گردد.

**ماده ۲۶** - پنجاه درصد حقوق و مزایا یا دستمزد مشمول مالیات یکی از اولیاء افراد دارای معلولیت خیلی شدید و شدید مادامی که مسئولیت پرداخت هزینه های مترتب بر معلولیت فرد بر عهده اولیاء است از پرداخت مالیات معاف است. گواهی تأیید نوع و شدت معلولیت افراد مشمول این ماده از سوی کمیسیون پزشکی تشخیص نوع و شدت معلولیت سازمان ارایه خواهد شد.

\*لازم بذکر است، در قانون مذکور برای این ماده ضمانت اجرایی قید نشده است.

**توضیح:** در سال ۱۳۹۷ حقوق های دو میلیون و سیصد هزار تومان و پائینتر از مالیات معاف هستند. اگر حقوق پدر یا مادری که دارای فرزند معلول است دو میلیون و چهارصد هزار تومان باشد، دقیقاً صد هزار تومان از سقف معافیت مالیاتی بالاتر است. طبق ماده ۲۶ این قانون ۵۰٪ از صد هزار تومان (یعنی ۵۰ هزار تومان) حقوق این فرد از پرداخت مالیات معاف می شود. مثلاً اگر مالیات این فرد ۱۰٪ باشد، ۵ هزار تومان از پدر یا مادر این معلول بابت معافیت قید شده در این قانون گرفته نمی شود. حال اگر حقوق پدر یا مادری که دارای فرزند معلولی هستند ۱۵ میلیون تومان باشد، بر اساس سقف معافیت مالیاتی که ۲ میلیون و سیصد هزار تومان است، ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بیشتر از سقف معافیت مالیاتی حقوق می گیرد. ۵۰٪ آن می شود ۶ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان. البته ظاهراً در سال ۱۳۹۷ قرار است از حقوق های بالا درصد بیشتری مالیات کسر گردد ولی اگر همان ۱۰٪ را هم محاسبه کنیم ۶۳۵ هزار تومان از پدر یا مادر این معلول گرفته نمی شود.

به نظر شما این عدالت است؟ حال اگر قانون، صد در صد حقوق پدر یا مادر فرد معلول را از پرداخت مالیات معاف می کرد، مقداری قابل توجه تر بود ولی وقتی قرار است ۵۰٪ حقوق این افراد مشمول تخفیف مالیاتی شود عدم نگاه به مقدار حقوق فرد کاملاً بی عدالتی است. در این قانون شخصی که درآمد بیشتری دارد و حتی گاهی اوقات اصلاً نیازی به تخفیف مالیاتی ندارد مقدار بسیار بیشتری از فرد محتاج تر مورد عنایت قرار می گیرد. درحالیکه قانونگذار می تواند سقف معافیت مالیاتی برای اولیاء معلولین را بالا ببرد. مثلاً اگر سقف معافیت مالیاتی برای کارمندان دو میلیون و سیصد هزار تومان است، سقف معافیت مالیاتی برای اولیاء معلولین را ۵ میلیون تومان قرار دهد. بدین ترتیب امکان این وجود داشت که صد در صد حقوق پدر یا مادر معلول تا سقف ۵ میلیون تومان از مالیات معاف باشد. این طریقه عملکرد هم به عدالت نزدیک تر است و هم افراد با حقوق پائینتر از درصد معافیت مالیاتی بیشتری بهره مند می شوند.

این بی عدالتی البته با کمی تفاوت در مورد تخفیف مالیاتی حقوق جانبازان نیز اعمال می گردد. همانگونه که مستحضرید صد در صد حقوق جانبازان ۲۵٪ به بالا از مالیات معاف است ولی اگر حقوق یک جانباز ۲۵٪ پانزده میلیون تومان باشد و حقوق یک جانباز ۵۰٪ سه میلیون تومان باشد، کل حقوق هر دو جانباز از مالیات معاف می شود. درحالیکه معافیت مالیاتی جانباز ۲۵٪ مذکور در فوق یک میلیون و هفتصد هزار تومان می شود و معافیت مالیاتی جانباز ۵۰٪ مذکور هفتاد هزار تومان می شود.

**ملاحظه:** ماده ۲۷ اصلاحیه قانون جامع حمایت از حقوق معلولین:

به منظور کمک دولت به جبران هزینه های ناشی از معلولیت افراد شاغل دارای معلولیت، ۱۰۰٪ حقوق و مزایا یا دستمزد افراد دارای معلولیت خیلی شدید و ۸۰٪ حقوق و مزایا یا دستمزد افراد دارای معلولیت شدید و ۶۰٪ حقوق و مزایا یا دستمزد افراد دارای معلولیت متوسط از پرداخت مالیات معاف می باشند.

تبصره ماده ۲۷ اصلاحیه قانون جامع حمایت از حقوق معلولین:

معافیت مالیاتی افراد دارای معلولیت دارای مشاغل آزاد براساس درآمد سالانه، از یک تا چند منبع، عیناً مشابه شاغلین مشمول این ماده خواهد بود. متأسفانه معافیت های مالیاتی مذکور در ماده ۲۷ اصلاحیه قانون جامع حمایت از حقوق معلولین در لایحه مصوب مجلس به کلی حذف شده بود و معلولین از این امتیاز محروم شدند.

**جای سؤال است:** مالیاتی که از معلولین اخذ می شود در چه جایی هزینه می گردد؟!

**ماده ۳۰** - مرکز آمار ایران مکلف است در سرشماری های عمومی جمعیت کشور به نحوی برنامه ریزی نماید که جمعیت افراد دارای معلولیت به تفکیک نوع معلولیت آنها مشخص گردد.

\*لازم بذکر است، در قانون مذکور برای این ماده ضمانت اجرایی قید نشده است.

در ماده ۱۱ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب سال ۱۳۸۳ و لایحه مصوب مورد بحث، موضوع سرشماری آمده است ولی جای تعجب دارد در سرشماری سال ۱۳۹۵، معلولیت در سئوالات سرشماری نفوس و مسکن نبود. بنابراین مشخص است دولت علاقه و عزمی در انجام این کار ندارد. **ملاحظه:** در حال حاضر هیچ آمار مشخصی از تعداد معلولین و وضعیت آنها در دست نیست. سازمان بهزیستی آمار معلولین را یک رقمی اعلام می کند، NGOهای مختلف آمارهای متفاوت دیگری اعلام می کنند و WHO (سازمان بهداشت جهانی) آماری در مغایرت با آمارهای موجود اعلام می کند. بنابر اعلام سازمان بهداشت جهانی، معلولین حدود ۱۵٪ جمعیت جهان را تشکیل می دهند. بر این اساس حدود ۱۲ میلیون معلول در کشور ما زندگی می کنند. البته سازمان بهزیستی که دائم از طبقه بندی شدت معلولیت ها با استفاده از استانداردهای بین المللی سخن می گوید، در این خصوص عنوان می دارد: درصد معلولین بسیار کمتر از نظر سازمان بهداشت جهانی است. ظاهراً سازمان بهزیستی تنها معلولین تحت پوشش خود را آمار معلولین در ایران می داند در حالیکه بخاطر عدم رسیدگی سازمان بهزیستی به معلولین بسیاری از این عزیزان تحت پوشش سازمان نیستند. موضوع دیگر اینکه سازمان بهزیستی سعی می کند تنها معلولین درجه شدید و خیلی شدید را معلول بداند. دولت باید در سرشماری هایی که بصورت دوره ای انجام می پذیرد، آمار معلولین، علت معلولیت، متاهل یا مجرد بودن معلول، شاغل یا بیکار بودن معلول، وضعیت معیشتی، میزان تحصیلات و ... را کسب نماید تا در برنامه ریزی های کلان بکار گرفته شود.

اینجانب به قدر بضاعت بعضی موارد در خصوص قانون حمایت از حقوق معلولان عنوان نمودم ولی این مطالب مطمئناً بسیار اندک و ناقص است و از مردم عزیز، فرهیختگان جامعه و معلولین و خانواده های آنها استدعا دارم در این باره صحبت بفرمائید، مطلب بنویسید، نقد نمائید و روشنگری کنید و مهمتر از همه، مطالبه گری داشته باشید.

## در پایان چند پیشنهاد دارم که در زیر می آید:

۱) ترمیم جایگاه حقوقی سازمان بهزیستی:

همانگونه که مستحضرد سازمان بهزیستی دارای وظایف متعدد و متنوعی است و رسیدگی به امور معلولین، تنها یکی از وظایف و ماموریتها، در میان انبوه شرح وظایف سازمانی آن است.

زنان سرپرست خانوار، ایام، معتادان، متکدیان، کودکان کار، زنان و کودکان بدسرپرست و زنان خیابانی، هر کدام با مشکلات خاص خود و جامعه آماری قابل ذکر، از جمله گروهبایی هستند که تحت پوشش این سازمان هستند.

علاوه بر این، مدیریت مهدهای کودک و اورژانس اجتماعی نیز بر عهده این سازمان است. لذا به نظر میرسد، با توجه به حجم وسیع مسئولیت های سنگین، جایگاه حقوقی این سازمان در نمودار سازمانی دولت، بسیار ضعیف و پائین است.

این نگرانی از این جهت حائز اهمیت است که اگر جایگاه سازمان ارتقاء و بهبود نیابد، ممکن است رفع مشکلات معلولین محقق نگردد. وضع و اصلاح قوانین مربوط به حقوق معلولین در صورتی موثر واقع می شود که سازمانی مقتدر متولی امور معلولین باشد و در مواردی که قانون درست و بجا اجرا نمی شود، بتواند حسب شرح وظایف قانونی، در آن ورود نموده و موانع را مرتفع سازد.

به نظر میرسد، ارتقاء جایگاه ریاست سازمان بهزیستی از معاونت وزارتخانه به معاونت ریاست جمهوری، قدمی در این راستا توصیف شود. درست مانند بنیاد شهید، که رئیس سازمان بهزیستی نیز بتواند با شرکت در جلسات هیات دولت و بیان دیدگاه های تخصصی، مسائل و مشکلات این بخش عظیم از جمعیت کشور را بدون واسطه، مطرح و در تصمیم گیری ها، مشارکت و نقش سازنده ایفاء نماید.

۲) ارتباط تناتنگ سازمان بهزیستی و امورات معلولین با ولایت فقیه:

از مشکلات و نواقص کنونی سازمان بهزیستی، عدم ارتباط و عدم اتصال این خیل عظیم از جمعیت کشور با ولی فقیه است. انتظار جامعه هدف بهزیستی و خصوصاً معلولین، توجه، عنایت، محبت، نظارت و پیگیری امورات این جامعه توسط مقام معظم رهبری است. ما انتظار داریم آن جناب همان گونه که در بنیاد شهید در خصوص جانبازان اهتمام می ورزند و به صورت مکرر آنها را مورد لطف و تفقد خود قرار می دهند، جامعه معلولین نیز از این موهبت بی بهره نمانند.

عنایت و لطف ولی فقیه به معلولین با استفاده از امکانات در اختیار از جمله "ستاد اجرایی فرمان حضرت امام، بنیاد مستضعفان، بنیاد علوی، موسسه برکت و..." و اختصاص بخشی از انفال به این قشر مظلوم در راستای توانمند سازی و بهبود وضعیت زندگی و درآمدی معلولین، موجب مزید امتنان است.

### ۳) اتخاذ تدابیری جهت ایجاد درآمد مکفی برای معلولین:

معلولیت هزینه بر است. در معلولیت های سنگین و دراز مدت، بیماری های زمینه ای دیگری نیز همراه معلولیت بوجود می آیند که گاهی اوقات گرفتاری و هزینه آن از خود معلولیت بیشتر است. علاوه بر آن، اگر شخص معلول بخواهد حداقل رفاه را برای خود و خانواده اش بوجود آورد، بخاطر محدودیت هایی که با آن دست به گریبان است باید بسیار بیشتر از افراد سالم هزینه نماید.

در حال حاضر سازمان بهزیستی، نه به همه معلولین بلکه با غربالگری و بازرسی های محلی و بازدید محل سکونت معلول که در بسیاری موارد باعث تحقیر معلولین نیز می شود، تنها به معلولینی که از فقر مطلق رنج می برند ماهانه مستمری مختصری پرداخت می کند!! این معلولین، مستمری بگير نامیده می شوند.

یکی از ایرادات دولت ها، نگاه کمیته امدادی به جامعه معلولین است. نگاه به معلول به عنوان یک فقیر نگاه کاملاً نادرست و غیرمنصفانه ای است. این نگاه باید تصحیح شود.

نوع مدد و کمک حاکمیت به معلولین باید به ترتیبی باشد که برای آنها شرایط برابر با افراد سالم بوجود آورد.

قانونگذار باید فرصتهایی که افراد سالم، بدلیل محدودیت افراد معلول، از چنگ آنها خارج می کنند را در اختیار معلول قرار دهد. حاکمیت باید نقش عصای دست معلول را بازی کند. باید محدودیت معلول را جبران کند. باید شرایط برابری در مبارزه زندگی برایش بوجود آورد. شرایطی برابر و عادلانه یعنی چیزی مانند پارالمپیک در کنار المپیک.

مسلم است که یک پارالمپیک نمی تواند با یک المپیک مسابقه دهد.

معلول فقیر نیست. محدودیت او باعث از دست رفتن بعضی فرصتها برایش شده است. واقعا نباید به چشم یک فقیر به معلول نگاه شود. چیزی که متأسفانه در کشور ما انجام می شود. سازمان بهزیستی بجای اینکه موانع را از جلوی پای معلول بردارد و به او توانایی حرکت و توانمند شدن بدهد به معلولین ماهانه مبلغ مختصری مستمری می دهد و درست نقش کمیته امداد را در این موضوع بازی می کند.

البته باید به این موضوع نیز اذعان داشت که بودجه دولت نیز کفاف هزینه های معلولین را برای یک زندگی عزتمندانه نمی دهد. بنابراین باید اقدامات دیگری انجام شود که در زیر به بعضی از آنها اشاره شده است:

**الف) بهره بردن از سنت حسنه وقف خصوصاً وقف اجتماعی یا وقف اشتراکی.**

**ب) تعریف بیمه ای تحت عنوان بیمه معلولیت.**

این بیمه برای همه ی ایرانیان از ابتدا اجباری باشد. مثلاً هر ایرانی همراه بیمه های خدمات درمانی، تامین اجتماعی و سلامت، ماهانه هزار تومان تحت عنوان حق بیمه معلولیت می پردازد. هر ایرانی هم بدلیل محرومیت قادر به پرداخت این مبلغ نبود، دولت حق بیمه او را پردازد.

بعد از برقرار شدن این بیمه، هر شخصی در کشور که از این به بعد دچار معلولیت شد، بیمه معلولیت به او کمک هزینه معیشت می دهد، نه درمان.

هزینه های درمان معلولین با بیمه های تکمیلی قوی و پر دامنه و فراگیر باید تامین شود.

**ج) مالیاتی که از حقوق و درآمد معلولین کسر و اخذ می شود به کلی منتفی گردد.**

**د) اختصاص سهمی از بیمه شخص ثالث به سازمان بهزیستی.**

یکی از عمده ترین علت های معلولیت در حال حاضر تصادفات رانندگی است. هر روز در کشور ما ۱۰۰ نفر به دلیل تصادفات رانندگی دچار معلولیت می شوند. شخصی که در اثر رانندگی معلول می شود بقیه عمرش را تحت پوشش سازمان بهزیستی است.

باید سهمی از بیمه شخص ثالث به سازمان بهزیستی تعلق گیرد و همچنین بابت تولید و ورود هر خودرو نیز درصدی به بهزیستی داده شود تا برای ارتقاء وضعیت معیشتی معلولان ناشی از تصادف هزینه کند.

پ) ملزم کردن شهرداریها به واگذاری تعدادی از غرفه های مطبوعاتی و گل فروشی سطح شهرها و همچنین تعدادی از غرفه های بازرگانی و میوه و تره بار سازمان میادین میوه و تره بار شهرداری ها به معلولین، جهت اشتغال و توانمند شدن این عزیزان و افزایش سطح درآمد آنها، همانگونه که این نوع واگذاری ها سالهاست که توسط شهرداری ها به جانبازان انجام می شود.

و البته امتیازات دیگری که معلولین همیشه از آنها محروم بوده اند.

۴) همسر شخص معلول ایثارگر قلمداد گردد و از مزایای قانون ایثارگران استفاده نماید.

۵) اخلاقیات به قانون تبدیل گردد.

۶) سامان دادن وضعیت معلولین مستاجر.

بسیاری از معلولین مستاجر هستند.

مبالغ رهن و اجاره که بماند!!

بحث این است که معلولین بنابر محدودیت جسمی که دارند باید خانه ای را بیابند که به شرایط جسمی آنها نزدیک باشد و هماهنگی حداقلی با وضعیت آنها داشته باشد که انجام این کار (یافتن خانه ای متناسب با شرایط معلول)، امر خیلی آسانی نیست و همیشه این امکان پیش نمی آید. یک معلول در خیلی از موارد باید تغییراتی در منزل استیجاری ایجاد کند تا قابلیت زندگی برای او را داشته باشد و بعد اسباب و اثاثیه زندگی خود را با کمک دیگران به خانه جدید منتقل نماید.

تمام این کارها انجام می شود ولی بعد از یک سال قرارداد تمام می شود و روز از نو و روزی از نو .....

باید مشوق هایی برای موجرانی که منزل مسکونی به معلولان اجاره می دهند در نظر گرفته شود و اگر قرارداد اجاره چند ساله باشد، به تناسب سنوات، این تشویق ها بیشتر شود تا هم تعداد واحدهای مسکونی برای انتخاب معلولین بیشتر شود و هم معلولین هر سال مجبور به جابجایی نباشند.

از طرفی این مشوق ها به ترتیبی باشد تا باعث گردد که در عده ای از سرمایه گذاران ایجاد انگیزه شود و بسمت ساخت مسکن برای اجاره به معلولین پیش روند. که بدین ترتیب با مدیریت درست، مسکن هایی ساخته می شود که مناسب معلولین خواهد بود.

برای رهن منزل مسکونی به معلولین وام قرض الحسنه بلند مدت داده شود. البته مبلغ وام متناسب با شرایط جامعه باشد نه اینکه مثلا رهن یک مسکن هفتاد میلیون باشد و دو میلیون تومان به معلول داده شود!!

۷) حل مشکل ایاب ذهاب معلولان.

خودرو برای معلولینی که توانایی هدایت آنها ندارند یک وسیله کمک توانبخشی است و باعث می گردد او را از کنج عزلت به عمق فعالیت های اجتماعی وارد کند. متأسفانه بخاطر گرانی خودرو در کشور ما بسیاری از معلولان از این امکان محروم هستند و این جفایی در حق جامعه معلولان است. خودرو برای معلولین خصوصا معلولین جسمی حرکتی اگر از مسکن مهم تر نباشد دارای اهمیت کمتری نیست. بنابراین باید فکری اساسی بحال آن شود.

موضوع این است که با توجه به قیمت بالای خودرو در کشور ما، بسیاری از معلولین توان تهیه مبلغ خرید خودرو را ندارند.

اینکه خودرو در کشور ما گران است موضوعی است که همه به آن اذعان دارند و دلایل مختلفی ارائه می شود که بعضی بحق و بعضی هم ناحق است.

از جمله اینکه برای حمایت از تولید کننده داخلی، مردم باید یک دوره گذاری را به صنعت خودروسازی کشور کمک کنند.

متأسفانه این موضوع در نظر گرفته نشده است که معلولین افراد خاص جامعه هستند و این فشار نباید به قشر معلول وارد شود. معلولین باید از کمک به صنعت خودروسازی کشور معاف شوند.

معلولین باید از مالیاتی که دولت از خودرو می گیرد و باعث بالا رفتن بیشتر قیمت آن شده است معاف شوند.

حداقل ۴۰٪ قیمت خودروهای ساخت داخل تحت عناوین مختلف به خزانه دولت می رود. درخواست معلولان این است که معلولان از این مبلغ معاف گردند.

به هر حال حق گرفتنی است. جامعه معلولین نیز اگر می خواهد به حق خود برسد باید ابتدا به حقوق خود آشنا باشد و بعد به طرق قانونی مطالبه گری نماید.

با تشکر از عزیزان که حوصله نموده و مطالب را مطالعه فرمودند.

مجید مزجی. معلول جسمی حرکتی درجه شدید.

